

بررسی

جغرافیای گسترش تشیع^۳



سید وکیل
میداد

تاریخ
۱۰۰

۱۰۰

۱۰۰



کتاب های متعددی با رویکردهای متفاوتی در موضوع تاریخ تشیع نگاشته شده اند. از کتاب ها و مقالاتی که اخیراً در این حوزه منتشر شده اند، می توان چنین استنباط کرد که شیوه جدید تحقیقات شیعه شناسان معاصر، بررسی و تحلیل اندیشه تشیع و نسبت آن با دیگر اندیشه های جهان اسلام است. بخش عمده ای از این نگاشته ها ریشه در تئوری های اثبات نشده مستشرقان داشته و بخش دیگر از دسترسی به منابع مورد وثوق متعدد محروم بوده اند.

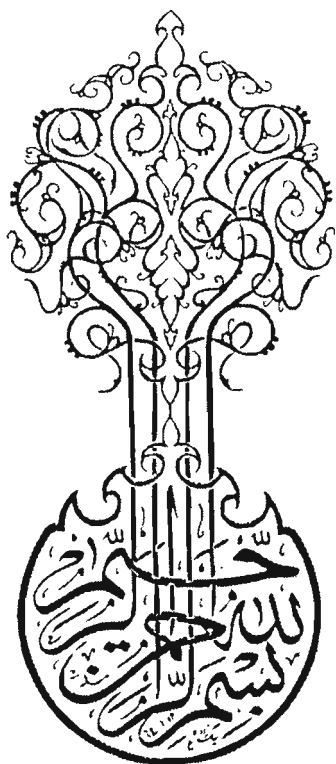
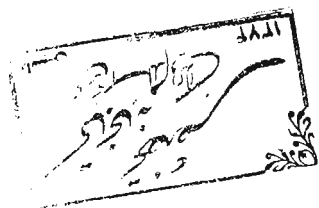
این کتاب بنا بر آن دارد که ضمن رعایت اختصار و دوری از پیچیدگی های معمول، نکات مورد توجه در گسترش تشیع طی ۹ قرن آغازین اسلام را مورد بررسی قرار دهد.



ISBN: 978-600-91760-8-3



9 786009 176083



بررسی جغرافیای گسترش تشیع

سید هادی سیدوکیلی

سیدوکیلی، هادی، ۱۳۵۷

عنوان و نام پدیدآور: بررسی جغرافیای گسترش تشیع / هادی سیدوکیلی.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات مکتب صادق، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص.

شابک: 3- 978-600-91760-8

وضعیت فهرست نویسی: قیفا

موضوع: شیعه

موضوع: شیعه - تاریخ

رده بندی کنگره: ۱۳۸۹/ب۴/س۹/ب۲۳۹ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۵۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۹۴۷۴۲

بررسی جغرافیای گسترش تشیع

تألیف: سیدهادی سیدوکیلی

ویراستار: سیدحجت سیدوکیلی

ناشر: مکتب صادق

نوبت چاپ: اول- ۱۳۸۹

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

مراکز پخش:

تهران. خیابان انقلاب. خیابان حقوقی. کوچه مستوفی الممالک. پلاک ۸ تلفن: ۷۷۶۲۵۶۳۲

تهران. سعادت آباد. بلوار دریا. پلاک ۱۰۰ تلفن: ۸۸۰۴۷۰۳

فهرست مطالب

نگاهی و نکته ای	۷
شکل گیری تشیع	۱۷
قرن اول: تشیع در میان عرب و موالی	۲۱
قرن دوم: ورود تشیع به ایران	۲۷
قرن سوم	۳۵
قرن چهارم	۴۹
قرن پنجم	۵۹
قرن ششم	۶۷
قرن هفتم	۸۳
قرن هشتم	۹۱
تشیع در شامات	۱۰۱
تشیع در شهرهای عراق	۱۰۵
قرن نهم	۱۰۹

تقدیم به

ساحت پرافتخار مرزبانان تشیع علوی و فاطمی

و

طلایه‌داران آفتاب پر مهر مهدوی

به این امید که خداوند متعال

ما را در اعمال صالح آنان شریک،

و از دعای خیرشان بهره‌مند فرماید.

نگاهی و نکته ای

زمانی که برای اولین بار قرار بر آن شد که در یکی از مراکز آموزش عالی به تدریس درس تاریخ تشیع، برای طلاب غیر ایرانی، بپردازم، دغدغه معرفی منبعی مناسب در سطح دانشجویان کارشناسی، که تنها با هدف آشنایی سطحی در کلاس این درس حاضر می شوند، ذهنم را مشغول کرد.

کتاب‌های متعددی با موضوع تاریخ تشیع و با رویکردهای متفاوتی نگاشته شده‌اند. از کتاب‌ها و مقالاتی که اخیراً در این حوزه پژوهشی منتشر شده‌اند، می‌توان چنین استنباط کرد که شیوه جدید تحقیقات شیعه‌شناسان معاصر، بررسی و تحلیل تاریخی‌اندیشه تشیع و نسبت آن با اندیشه‌های دیگر جهان اسلام است.

به عنوان نمونه می‌توان به کتاب "دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی" از اندره نیومن^۱ و یا کتاب "تشیع" از هاینس هالم^۲ اشاره نمود، که کتاب اول به مقایسه مکتب قم و مکتب بغداد پرداخته و دیگری در یک نگاه کلان سعی در ارائه یک تصویر کامل از تاریخ

^۱ Andrew Newman، استادیار مطالعات اسلامی دانشگاه ادینبورو. وی دارای دکترای مطالعات اسلامی از دانشگاه کالیفرنیا است. حوزه تحقیقاتی وی تاریخ تشیع امامی، تاریخ ایران و ادبیات فارسی و عربی است. کتاب وی را مؤسسه شیعه‌شناسی به همراه نقدی جامع منتشر ساخته است.

^۲ Hainz Halm، اسلام‌شناس و شیعه‌پژوه آلمانی، استاد دانشگاه توپینگن. محور مطالعات و تحقیقات او تاریخ اسلام در شرق نزدیک بخصوص مصر و آفریقای شمالی و فرقه‌های اسماعیلی و شیعه بوده است. کتاب تشیع وی به دست محمد تقی اکبری به زبان فارسی برگردانده شده و نشر ادیان آن را منتشر ساخته است.

تحولات و گسترش تشیع در جهان اسلام پرداخته‌اند. متأسفانه هیچ یک از این دو کتاب و کتابهای مشابه را نمی‌توان خالی از نقص و موضع‌گیری‌های پیشینی دانست. نیومن در کتاب خود متأثر از تفکر مادلونگ^۱ و مکدرموت^۲ است که تفکر کلامی شیعه را متأثر از معتزله دانسته و منبع اصلی تئوری پژوهش خود را بر اساس "اعتقادات" شیخ صدوق^۳ و "تصحیح الاعتقاد" شیخ مفید^۴ بنا نهاده؛

^۱ Wilfred Madelung. استاد دانشگاه آکسفورد و عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات اسماعیلیه لندن، اسلام شناس و شیعه پژوه آلمانی و دارای دکترای مطالعات اسلامی از دانشگاه هامبورگ. وی شاگرد /شترومان و /شیپلر بوده است. گلیو از وی با نام «پدر مطالعات شیعی مدرن در بریتانیا» یاد کرده است. مقاله‌ای مهم از وی با نام «شیعه و معتزله» به دست احمد آرام ترجمه شده که مورد توجه و استناد بسیاری از شیعه پژوهان قرار گرفته است. شاگردان وی چون مارتین مکدرموت و زابینه اشمینکه این رشته مطالعاتی را در تحقیقات و پژوهشهای خود ادامه دادند.

^۲ مارتین مکدرموت، وی رساله دکتری خود را با موضوع بررسی اندیشه‌های کلامی شیخ مفید و مقایسه آن با آراء کلامی قاضی عبد الجبار معتزلی، به راهنمایی مادلونگ به انجام رسانده است.

^۳ محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه، معروف به شیخ صدوق از محدثان و فقهای بزرگ شیعی در قرن چهارم است. وی در حدود سال ۳۰۶ هجری به دعای حضرت حجت به دنیا آمد. وی در نظام‌سازی اعتقادات شیعه تلاشی وافر نمود.

در حالیکه مسلماً این روش در شناخت مکتب قم یا بغداد کافی نیست. نوشته هالم نیز به اندازه کافی از قوت علمی برخوردار نبوده و در یک نگاه کلان به تشیع تنها به تحلیل‌هایی اکتفا نموده است که ریشه در تئوری‌های اثبات نشده برخی مستشرقان داشته و در جای خود مورد نقادی قرار گرفته است.^۱

جدای از این رویکرد در معرفی تاریخ تشیع، کتاب‌هایی که بطور جامع، تاریخ امامیه و نحوه گسترش آن را مورد بررسی قرار دهند، بسیار اندک است. در میان همین نمونه‌های نادر، یکی از بهترین کتاب‌های تألیف شده با این موضوع، کتاب "تاریخ تشیع در ایران" به قلم استاد رسول جعفریان^۲ است.

^۱ محمد بن محمد بن نعمان، از بزرگترین متکلمان امامی، معروف به شیخ مفید در سال ۳۳۶ ق در عکبری بغداد متولد شد. وی زعامت شیعیان در بغداد را به عهده داشت. متوفای ۴۱۳ ق. وی را احیاگر مکتب کلامی امامیه دانسته اند. وی استاد سید مرتضی بوده است.

^۲ رک. مقاله "بررسی انتقادی کتاب تشیع" از نگارنده ارائه شده در همایش بین‌المللی

تشیع و خاور شناسان، ۱۳۸۷

^۳ پژوهشگر و تاریخ نگار معاصر

این کتاب اگرچه در نوع خود بی‌نظیر است و جداً زحمت زیادی برای تألیف آن کشیده شده است، ولی به دلایل متعددی برای منظور ذکر شده در این نوشتار، یا استفاده عموم کاربرد نداشته و قابل استفاده نیست.

گذشته از برداشت‌های دقیق استاد از اسناد تاریخی، منابع و مدارک فراوان ذکر شده در کتاب، از نقاط قوت آن برای محققان است. لیکن تکرار برخی مطالب، شواهد و قرائین و دسته‌بندی نامنظم مطالب در بخش‌های مختلف، مایه سردرگمی دانشجویان مبتدی و پژوهشگرانی است که قصد آشنایی با حیطه کلی بحث را دارند که البته تبویب نامناسب نیز در این مسأله مؤثر بوده و باعث عدم انسجام مطلب در برخی موارد شده است.

به عنوان مثال بخش‌هایی از "کتاب النقص" به طور مکرر در قسمت‌های مختلف ذکر و یا بدون هیچ دلیل روشنی بیش از چند بار مطالب مربوط به ری، قم، کاشان و خراسان در بخش‌های مختلفی

تکرار شده‌اند. گویا کتاب شامل مجموعه مقالاتی است که به تدریج نوشته شده و سپس با عجله در کنار هم جمع و چاپ شده‌اند.

گرچه روشن است که کاری بدین عظمت و بزرگی، بدون ایراد و اشکال ممکن نیست، اما بی شک بایسته است که این کتاب مهم در یک بازبینی عالمانه بار دیگر تنظیم شده، با یکسان سازی نگارشی متن، هماهنگی و همگونی محتوای آن با آراء متأخر استاد و همچنین حروفچینی مجدد و خالی از غلط بر ارزش علمی آن افزوده گردد.

گذشته از تمامی این مسائل، حجم بالای کتاب و استناد دهی‌های فراوان در هر موضوع، نشان از هدف تألیف آن به عنوان مرجعی برای مجامع تخصصی داشته و قطعاً این کتاب راهگشای آنان در تحقیق در حوزه‌های مرتبط خواهد بود.

به هر صورت کتاب حاضر کوشیده است با نگاهی به منابع موجود و بطور ویژه کتاب "تاریخ تشیع در ایران" به بررسی گسترش تشیع در حوزه جغرافیایی پرداخته و دیرینگی تاریخی شیعه در مناطق مختلف را به تصویر بکشد.

مسلماً به دلیل طراحی این نوشته برای مخاطب عام، از اسنادهای فراوان و ذکر شواهد زیاد خودداری و تنها به بیان کلیات اکتفا شده است.

قطعاً هر یک از بخش‌های این نوشته از نظر تحقیقی قابل بسط بوده و می‌تواند به عنوان موضوعی خاص مورد پژوهش قرار گیرد. برای پژوهشگران گرامی لازم به ذکر است، با توجه به کمبود منابع، بخش‌های تشیع در شامات و در عراق نیاز به پژوهشهای عمیق تر و بیشتری دارد.

همچنین تشیع در آفریقا، عربستان، هند و پاکستان و نیز تشیع در دوره معاصر از مسائلی است که نیاز به تحقیق جدی داشته و در این کتاب به دلیل تلخیص مطلب مورد بررسی قرار نگرفته و به اثری دیگر فرو گذاشته شده است.

نگارنده امید دارد با توفیقی از خداوند متعال، بتواند پژوهش‌های دیگر خود در این عرصه را منتشر نموده و قطعاً پیشنهادها و

نقادی‌های عالمانه خوانندگان محترم، در گسترش این پژوهش‌ها مؤثر بوده و بر غنای آن خواهدافزود.

در انتهای این مطلب، به جهت تبرک اشعاری از کسایی مروزی^۱، شاعر و سخن‌سرای شیعی قرن چهارم ذکر می‌گردد که در سال ۳۷۰ هجری در مدح امیرالمؤمنین (علیه السلام) سروده شده است؛ تا شاهدی باشد از قرن چهارم هجری، بر پابندی دیرین ایرانیان بر ولایت اهل بیت (علیهم السلام):

^۱ مجدالدین ابوالحسن کسایی مروزی یا ابواسحاق کسائی شاعر ایرانی در نیمه دوم سده چهارم هجری است. متأسفانه امروزه مقدار اندکی از اشعار او در دست است. ولی از آنچه که از او بجای مانده، و همچنین از اشارات به اشعار او در آثار دیگران آمده، پیداست که او از استادان مسلم شعر و زبان پارسی بوده. ناصر خسرو در بسیاری از قصیده‌هایش سعی در مقایسه خود با کسائی داشته و پیداست که دیوان کسائی را که آن زمان در دست بوده، به دقت مطالعه کرده بوده است.

فهم کن گر مؤمنی فضل امیرالمؤمنین

فضل حیدر شیر یزدان مرتضای پاکدین

فضل آن کس کز پیمبر بگذری فاضل تر اوست

فضل آن رکن مسلمانی، امام المتقین

فضل زین الاصفیاء، داماد فخر الانبیا

کآفریدش خالق خلق آفرین از آفرین

ای نواصب، گر ندانی فضل سر ذو الجلال

«آیت قریبی» نگه کن وان «اصحاب الیمین»

«قل تعالوا ندع» برخوان، ور ندانی گوش دار

لعنت یزدان ببین از «بتهل» تا «کاذبین»

«لا فتی الا علی» برخوان و تفسیرش بدان

یا که گفت و یا که داند گفت، جز روح الامین...

گر نجات خویش خواهی در سفینه نوح شو

چند باشی چون رهی تو بینوای دل رهین

دامن اولاد حیدر گیر و از طوفان مترس
گرد کشتی گیر و بنشان این فزع اندر پسین...
سیصد و هفتاد سال از وقت پیغمبر گذشت
سیر شد منبر زنام و خوی تسکین و نگین
منبری کآلوده گشت از پای مروان و یزید
حق صادق کی شناسد و ان زین العابدین
مرتضی و آل او با ما چه کردند از جفا
یا چه خلعت یافتیم از معتصم یا مستعین
کان همه مقتول و مسموم اند و مجروح از جهان
وین همه میمون و منصورند امیر الفاسقین
ای کسایی، هیچ مندیش از نواصب وز عدو
تا چنین گویی مناقب، دل چرا داری حزین

شکل گیری تشیع

اگرچه ریشه شکل‌گیری شیعه به دوران رسول خدا ﷺ و تلقی برخی مسلمین در پیروی از امیرالمؤمنین علی ﷺ بوده است، در اسناد تاریخی کوفیان اولین کسانی بودند که شیعه را در معنای اصطلاحی بکار بردند. قدیمی‌ترین سندی که لفظ "الشیعه" را برای شیعیان بکار برده است، نامه گروهی از کوفیان به رهبری سلیمان بن سرد خزائی به امام حسین ﷺ برای تسلیت شهادت امام حسن ﷺ است. تشیع عراقی (سیاسی) به کسانی گفته می‌شد که امیرالمؤمنین علی ﷺ را بر عثمان مقدم دانسته و در مقابل طرفداران عثمان بودند.

شیعیان عراقی علیرغم داشتن گرایشات شیعی و دشمنی با امویان و عباسیان در قالب هیچیک از فرق شیعی نمی‌گنجند. البته به طور اصولی کمتر شخص کوفی دیده می‌شود که به مفهوم عام گرایش شیعی نداشته باشد. چرا که دو شهر بصره و کوفه با دو گرایش عثمانی و علوی رقیب یکدیگر شناخته می‌شدند. پس از شهادت امام علی ﷺ مردم شیعی کوفه بر اساس گرایش مذهبی خود به سوی امام مجتبی

آمده و با ایشان بیعت کردند. تشیع در عراق بدین ترتیب شکل گرفته و گسترش یافت.

از جریانات دیگر عراق باید گرایش به غلو را ذکر نمود. عراق محل تلاقی فرهنگهای مختلف ایرانی، رومی، یهودی و غیره بود و به طور طبیعی گنجایش تأثیر و تأثرات بین فرهنگی را داشته لذا اندیشه غالبانه در عراق بیش از حجاز رشد کرده؛ اما مراکز اصلی شیعه در بغداد و قم از انحرافات غلو بدور بوده است.

دکتر وردی میگوید: تشیع در سه شهر پا گرفت، درکوفه به دلیل وجود عمار یاسر؛ در مدائن به سبب حضور سلمان فارسی و در جبل عامل به سبب تلاش ابوذر غفاری^۱.

عوامل کلی نفوذ و پیشرفت تشیع در مناطق مختلف جهان اسلام را می توان در این موارد جستجو کرد:

^۱ وعاظ السلاطین/ ۲۹۷

الف. دوستی اهل بیت علیهم السلام

محبوبیت علویان در میان مردم از دلایل اصلی نفوذ تشیع در سرزمین های مختلف است. در واقع علویان همواره مبلغان حرکت شیعی بوده اند و با پیشینه ای که مردم عراق از حکومت علی علیه السلام داشتند، علویان را لایق رهبری می دیدند.

ب. زهد شیعیان

عدم پایبندی امویان و عباسیان به شرع مبین اسلام همواره از اموری بوده است که باعث دوری مردم از ایشان می شده است. در مقابل، غالب علویان و دوستداران ایشان گرایش بسیار قوی به فرائض دینی داشته و تقید و پایبندی ویژه ای به مسائل و احکام دینی نشان می داده اند. این مطلب خود مایه تبلیغی برای تشیع بوده است.

ج. مظلومیت علویان و شیعیان

د. نگرش عدالت خواهانه و ضد ستم در شیعه

قرن اول:

تشیع در میان عرب و موالی

سرزمین عراق از آغاز خلافت علی علیه السلام به عنوان مرکز رشد و نمو تشیع مطرح بوده است. صلح امام حسن علیه السلام باعث شد تا درصد قابل توجهی از مردم کوفه شیعه ماندند. تشیع کوفیان معجونی از تشیع سیاسی و اعتقادی بود. تشیعی که در حقیقت اعتقاد به علویان داشت ولی چون خراسانیان فریب عباسیان را نخورد.

در منابع تاریخی نقل شده در جریان سفر امام حسین علیه السلام به کربلا ابن عباس از ایشان خواست تا به جای عراق به یمن سفر کنند. این نکته نشان از حضور شیعیان در یمن دارد که ظاهراً نتیجه سفر تبلیغی علی علیه السلام در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بدانجا و نیز حضور قبایل یمنی در کوفه و در میان یاران امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است.

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با آغاز دوره جدید خلافت و علی الخصوص پس از فتح ایران، بار دیگر ظلم و تبعیض بر موالی اوج گرفته و عملاً غیر اعراب به شهروندان درجه دو حکومت تبدیل شدند. رعایت عدالت در میان موالی که همواره مورد ظلم و تبعیض قرار

می‌گرفتند از جمله دلایل گسترش محبوبیت امام علی علیه السلام و علویان در میان موالی مخصوصاً ایرانیان بود.

حرکت‌های شیعی علوی بر ضد حکومت نژاد پرست وقت نیز زمینه مناسبی برای جذب موالی بودند؛ که البته نمی‌توان این همراهی را شهادتی بر نقش موالی در شکل‌گیری تشیع دانست.

در اواخر قرن اول علمای معروف شهرهای مهم اسلامی از موالی بوده و اینگونه موالی در کارهای علمی از عرب‌ها جلو افتاده و در مدت کوتاهی بسیاری از آنان در میان فقها و محدثان بزرگ اسلامی‌جای گرفتند.

با نگاهی گذرا به اصحاب و راویان احادیث ائمه مشاهده می‌شود آنان نیز در تربیت موالی و انتقال مفاهیم درست اسلامی بدیشان تلاش کرده و بسیار کوشیده‌اند.

می توان از شیوه رفتاری اهل بیت با بردگان به عنوان یکی دیگر از دلایل جذب موالی به مذهب تشیع یاد کرد. که موجب علاقمندی ایشان به این مذهب می گردید.

در رابطه با تأثیر ایرانیگری در شکل گیری اعتقادات تشیع باید گفت بر خلاف ادعای بسیاری از شعویان سنی ایرانی و عربی مانند ابوزهره^۱، ایران به ویژه شرق آن مرکز عمده راست دینی تسنن بوده است و بجز استثنائاتی اکثریت شهرهای آن در طی نه قرن بر مذهب تسنن بوده اند.

با دقت در شورشهای شیعی نیز در می یابیم برخلاف نظراتی که ایران را مرکز تولد و رشد تشیع و نهضت های آن می دانند، زادگاه و مرکز جنبش های شیعی، عراق و به ویژه شهر کوفه بوده است.

^۱ تاریخ المذاهب الاسلامیه/ ۴۱/۱

به طور کلی اندیشه شیعی بیش از آنکه متعلق به غیر اعراب باشد در میان اعراب ریشه داشته است.^۱ به گفته ولهاوزن و گلدزیهر^۲ تشیع بصورت صریح و روشن ابتدا در سرزمینهای عربی تولد یافته و پس از آن به موالی سرایت کرده است. در زمان حکومت آل بویه بر بغداد نیز علمای شیعی حاضر در آن سرزمین همگی عرب بوده‌اند در حالیکه با نگاهی ساده به علمای درجه اول اهل سنت در قرون نخستین، بسیاری از آنان را غیر عرب خواهیم یافت.

یکی از مهمترین دلایل اصلی نفوذ اسلام و به‌ویژه تشیع در ایران عربهایی بودند که از جزیره العرب و عراق راهی مناطق مختلف ایران شدند. در طول قرن اول و دوم این مهاجرتها بسیار گسترده و فراوان بوده است. آنچه مسلم است موضع گیری های این اعراب در

^۱ عصر زرین فرهنگ ایران/ ۱۷۲

^۲ العقیده و الشریعه/ ۲۰۴

گرایش‌ات سیاسی و مذهبی در هم‌نشینان ایرانی ایشان تأثیر داشته است.

قرن دوم:

ورود تشیع به ایران

قرن دوم را می‌توان قرن ورود تشیع به ایران دانست. حکومت امویان در سال ۱۳۲ هجری سرنگون شد و به جای آن عباسیان بر مسند خلافت نشستند. پیش از شروع خلافت، عباسیان تا سالها در کنار علویان بوده و از محبوبیت ایشان در فعالیتهای سیاسی خود استفاده می‌کردند. سلاح اصلی عباسیان در برخورد با امویان مظلومیت علویان بود.

طبق نقل‌های مختلف تاریخی در میان یاران زید افرادی از اهالی کوفه، بصره و خراسان بوده‌اند. یحیی فرزند زید نیز از کوفه به مدائن گریخت و پس از آن به ری، سرخس و خراسان رفت. عباسیان از وجهه مظلوم یحیی و شهادت او در تبلیغات خود بهره فراوان گرفتند. پس از شهادت یحیی مردم خراسان عزاداری مفصلی برپا کردند و در آن سال تمام موالید ذکور را یحیی نامیدند.

حرکت عبدالله بن معاویه که عباسیان از آن بسیار سود جستند و استقرار وی در اصفهان می‌توانست به نشر افکار شیعی در ایران کمک‌کند.

آمدن او به ایران نشانه وجود زمینه‌هایی برای نشر افکار شیعی بوده است. محبت اهل بیت در خراسان ولو در سطح بسیار کمی وجود داشته است. عباسیان نیز با بیان ظلم‌های بنی‌امیه، محبت علویان را در قلبهای مردم گسترده‌تر میکردند. اگرچه دستگاه عباسی پس از کسب کرسی خلافت موضعی کاملاً سنی اختیار کرد؛ اما ذهنیت مثبت ایجاد شده نسبت به علویان، همچنان در میان مردم باقی ماند.

در این میان صفحات تاریخ گزارشاتی از ملاقات‌های برخی از اصحاب ایرانی ائمه با ایشان در موسم حج در مدینه وجود دارد. در طول قرن دوم و قرن سوم محبوبیت علویان در حجاز، عراق و ایران به راحتی مشهود بوده است. محبوبیتی که با ظلم روزافزون عباسیان افزایش می‌یافت.

در سال ۸۳ هجری شهر قم به عنوان شهری عربی پایه گذاری شد و تا قرن چهارم شهری عربی بود. شهر قم را باید نخستین شهر شیعی در حوزه ایران دانست زیرا برخی گروههای عرب با گرایشات شیعی مانند اشعریان به قم مهاجرت کرده و اساسی اسلامی را در آن بنیان نهادند.

مهمترین قبیله عرب که در قم اقامت گزید دسته‌ای از قبیله یمنی اشعری است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است "قم شهر ما و شهر شیعه ما است، شهری است پاکیزه و مقدس که دوستی ما و اهل بیت ما را قبول کرده است."^۱

در مجموع ۴۳ روایت در فضیلت قم و مردمان آن از ائمه نقل شده است.^۲

^۱ تاریخ قم/۹۳

^۲ قم و قمیون/۳۸

اشعریان قم، جامه‌ای که امام رضا علیه السلام به دعبل داده بودند را به یک هزار مثقال طلا خریدند. در کتب رجالی شیعه، نام تعداد زیادی از اهالی قم به عنوان اصحاب ائمه ذکر شده است.

گذشته از آن شهر قم از مراکز مهاجرت طالبیان نیز بوده است. فاطمه معصومه علیها السلام هنگام بیماری در شهر ساوه، از خادم خود خواست تا ایشان را به قم برساند.

سادات نیز همواره در مناطق جبال میان قم، ری و طبرستان در حال مهاجرت بودند. تشیع امامی قم آنچنان شهرتی داشته است که در تمامی آثار جغرافی دانان قرن چهارم به بعد به آن اشاره شده است. در آن زمان هیچ شهری وجود نداشت که اینچنین به طور کامل بر تشیع امامی باشد. نکته جالب اینکه در قم نمونه های واقعی، فطحنی و غالی به ندرت به چشم می خورد.

قم از دیرباز مرکز ثقل حفظ حدیث اهل بیت بوده است. رشد تفکر شیعه امامی بدون کمک قم شاید هرگز نمی توانست شکل و قالب

خود را حفظ کند. پیوند قم با اهل بیت علیهم السلام سبب شد تا علوم اهل بیت علیهم السلام در این شهر بسیار گسترده و زیاد باشد و لذا بسیاری از علمای مشهور شیعه این شهر را برای اقامت برگزیده و یا در آن رشد کرده‌اند.

بجز اشعری‌ها و سادات شماری از علاقمندان به مذهب تشیع نیز از شهرهای مختلف به قم مهاجرت کردند. کسانی هم بودند که برای شنیدن حدیث به قم می‌آمدند.

با توجه به عقائد مذهبی شهرهای اطراف قم می‌توان حدس زد که تشیع از قم بدان شهرها نفوذ کرده است. آوه یا آبه از همین شهرها است که گرایش شیعی شدیدی داشته است. تشیع مردم آبه به قرن دوم و سوم باز می‌گردد. برخی از سادات نیز از قم به آبه مهاجرت کردند. فراهان و تفرش (طبرس) نیز از مناطق شیعه اطراف قم است. علی‌الظاهر قمی‌ها در تشیع سمرقند و کش نیز نقش داشته‌اند. نقش

محوری شهر قم به عنوان پایگاه شیعه تا ظهور دولت صفوی همچنان باقی بوده است.

در منابع تاریخی در کنار نام قم از شهر کاشان نیز یاد شده است. این شهر در دوران گذشته از توابع قم بوده، بنابراین می توان تشیع کاشان را با تشیع قم پیوند زد. پس از قم، ری و کاشان را می توان محل سکونت بسیاری از سادات و علویان دانست. یکی از کهن ترین مقبره های امام زاده های ایران، امامزاده علی بن محمدفرزند امام باقر است که در نزدیکی کاشان، در محلی به نام مشهد اردهال مدفون است.

قرن سوم

از جمله اقدامات امام رضا علیه السلام تلاش برای جهت دار کردن محبت مردم نسبت به علویان، از تشیع ناشی از دوستی اهل بیت علیهم السلام به یک تشیع اعتقادی - امامتی اصیل بود. حضور امام در خراسان سبب شد تا شخصیت حضرت به عنوان امام شیعه برای مردم بیشتر شناخته شود. لذا هواداران شیعه روز به روز بیشتر شدند. حیثیت علمی و علوی امام مهمترین عامل در توسعه مذهب شیعه به حساب می آمد و مرجعیت علمی امام، توسعه فکر شیعی را به دنبال داشت. تا آنجا که برای مقابله با تأثیر حضور ایشان در خراسان و حذف محور شیعه در این خطه، مأمون در نهایت مجبور شد امام را به شهادت برساند.

توجه به حفظ آثار برجای مانده از مسیر امام رضا علیه السلام در شهرهای بین راه مدینه تا خراسان، نشان از علائق شیعی در میان مردم دارد. از همان آغاز مزار امام رضا علیه السلام در خراسان نه تنها زیارتگاه

شیعیان، بلکه مرکز توجه و علاقه اهل تسنن نیز بوده و آن را زیارت میکردند.

از قرن دوم به بعد، مهاجرت و ورود سادات علوی که عمدتاً شیعه بوده‌اند؛ به ایران افزایش یافته و از دلایل عمده نفوذ تشیع واقعی در ایران بوده است. یکی از نمونه های شاخص آن، مهاجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به ایران و رحلت و دفن ایشان در قم است. با توجه به عدم امنیت شیعیان و علویان در عراق و همچنین پیدایش قیام های شیعی در مازندران و گیلان این مهاجرت ها گسترش یافت.

اصفهان با تمام سنی گری متعصبانه خود و حتی درگیری های متعدد مذهبی با اهالی قم به عنوان مهمترین شهر شیعه، باز محلی برای مهاجرت سادات بود. و این مهاجرتها به تدریج اساس تشیع را در این شهر تقویت کرد. قرن دوم و اوائل قرن سوم هجری دوره ای است که

سادات به طور دسته جمعی به ایران به ویژه مناطق شیعه نشینی چون کاشان مهاجرت میکرده‌اند.

از وجود امامزاده‌های متعدد در تفرش و اطراف آن اینطور برداشت میشود که مردم تفرش از صدر اسلام پیرو مذهب تشیع بوده‌اند. در مورد ری، قصران و بیهق نیز مسأله به همین گونه است. اصولاً در منطقه جبل که محدوده‌ای از قصر شیرین و همدان گرفته تا اصفهان و از آنجا تا ری را شامل می‌شد، شیعیان فراوان بوده‌اند. همدان اگرچه به تسنن شهرت داشته ولی در آنجا نیز شیعیانی بودند که از طریق ابراهیم بن محمد همدانی با امام جواد علیه السلام مرتبط بودند.

تا قرن سوم می‌توان نشانه‌هایی از تشیع در فارس نیز پیدا کرد. گریختن سلیم بن قیس رضی الله عنه به فارس نزد أبان بن اَبی عیاش از همین نکته‌ها است.

همزمان با فتح سایر مناطق ایران در سال ۲۳ هجری، ری نیز که پیش از اسلام شهری آباد و پر رونق بود، سقوط کرد. در ابتدا بر اساس تبلیغات اموی، جانبداری از امویان در این شهر رواج داشته و نمی‌توان از گرایش‌های شیعی در آن سخن گفت. اسکافی ری را در کنار شام و بصره از شهرهای ناصبی می‌شمرد^۱ که مؤید نگرش اموی در عمده مردمان این شهر است. همچنین وجود روایاتی در مذمت مردم ری^۲ تاییدی بر علایق غیر شیعی موجود در این شهر است. در روایتی از امام صادق علیه السلام^۳ ری، قزوین و ساوه که در قرن دوم به تعصب در تسنن مشهور بوده‌اند، مورد لعن قرار گرفته است.

البته حتی در زمان امویان نیز عده‌ای از دوستان اهل بیت علیهم السلام در شهر ری بوده‌اند. پس از حاکمیت امویان در اثر روایات برخی

^۱ المعیار و الموازنه/۳۲

^۲ مختصر البلدان/۲۷۳

^۳ بحار الانوار/۵۷/۲۲۹

محدثان اهل سنت در مورد فضایل خاندان پیامبر به تدریج زمینه آشنایی مردم ری با مکتب اهل بیت علیهم السلام فراهم شد. آنچه که به عنوان تشیع اصیل در اواخر قرن دوم هجری در ری پدید آمد، نتیجه ارتباط برخی از مردم و ساکنان ری با امامان شیعه بوده است. در کتب رجالی شیعه میان اصحاب امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام افرادی ملقب به رازی دیده می‌شوند.

آمدن حضرت عبد العظیم الحسنی علیه السلام از چهره های شاخص اصحاب امام رضا علیه السلام، امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام، به ری نشانه وجود تشیع در این شهر بوده و خود نیز زمینه‌ای برای رشد دعوت شیعی شده است. بعد از رحلت آن بزرگوار در حدود سال ۲۵۰ هجری، مزارش برای شیعیان مرکزیتی یافته و در جذب شیعیان آن نواحی به سوی ری مؤثر افتاد. روایات چندی که در فضیلت زیارت حضرت عبد العظیم علیه السلام وارد شده است که توجه شیعیان را برای

مهاجرت و سکونت در ری جلب کرده بود. یکی دیگر از مهمترین دلایل ارتباط امامان با شیعیان ری و نیز افزایش شیعیان در این منطقه وجود محمد بن جعفر اسدی^۱ (م ۳۱۲)، یکی از وکلای امام زمان در زمان غیبت صغری، در ری است. از راویان اخبار ائمه در کتب اربعه بیست و پنج نفر ملقب به رازی بوده‌اند. آغاز گسترش تشیع در ری از زمان حاکمیت احمد بن حسن مادرنی در حدود سال ۲۷۵ بوده است. اصفهان که در دوره خلیفه دوم به دست ابو موسی اشعری فتح گردید به دلیل تأثیر تبلیغات فراوان امویان در قرون نخستین به عنوان شهری ناصبی در منابع ذکر شده است. این تسنن به مرور تعدیل شد اما نفوذ تشیع در آن به سادگی ممکن نبود. اگرچه تلاش فراوانی در این راه صورت گرفت اما تنها در زمان صفویان و با آمدن شاه اسماعیل به اصفهان، به طور کامل بساط تسنن از این شهر برچیده شد. با وجود

^۱ تنقیح المقال ۹۵/۳

تسنن افراطی مردم اصفهان، در قرن چهارم شواهدی از وجود علاقه به اهل بیت در این شهر وجود دارد^۱.

یکی از مهمترین ارکان رشد علاقه به اهل بیت در اصفهان را باید صاحب بن عباد رحمته الله دانست. وی توانست تشیع را در منطقه جبال مستقر سازد. تشیع بویهیان نیز به یقین در اصفهان که از مراکز عمده آنان بود، تأثیر گذاشته است. در قرون دوم و سوم میان شهر قم که گرایش شیعی داشت و اصفهان، رقابتی پدید آمد که به تدریج جنبه مذهبی به خود گرفت. علیرغم وجود تسنن افراطی در شهر اصفهان سادات فراوانی به این شهر مهاجرت کردند^۲. حضور این سادات می‌توانست به آرامی‌زمینه ساز رسوخ افکار شیعی در این شهر باشد.

قزوین پس از پذیرش اسلام، به دلیل اهمیت سیاسی - نظامی تحت سلطه کامل اهل تسنن بوده و از رشد فرقه‌های غیر سنی در آن

^۱ کتاب الولاية، ابن عقدة/ ۳۱

^۲ منتقلة الطالبیه نام ۳۳ مهاجر به اصفهان را ذکر میکند.

جلوگیری می‌شد؛ اما مردم آن در زمان امویان سنت رایج لعن بر امیر المومنین علیه السلام را نپذیرفتند و اگرچه در قرون نخست زندگی شیعه در این شهر دشوار بوده، اما همیشه اقلیتی از شیعه در آن وجود داشته است.

خراسان نیز اگرچه همواره یکی از مراکز اصلی تسنن در ایران بوده، اما برخی از شهرهای همواره محل حضور شیعیان به شمار می‌رفته است. تا آنجا که به تدریج شمار شیعیان رو به فزونی گذاشت.

به هر روی هرچه به مرکز ایران، نزدیک شویم بر شمار شیعیان افزوده میشود. بیهق به منطقه‌ای از خراسان اطلاق میشود که مهمترین شهر آن سبزوار است که مردم آن ناحیه از آغاز با رغبت به اسلام ایمان آوردند^۱. این شهر همواره مرکزی برای تشیع اثنی عشری بوده است.

^۱ تاریخ بیهق/۴۴

یکی از مهمترین دلایل نفوذ تشیع در سبزوار مهاجرت فراوان سادات از شهرهای مختلف از جمله نیشابور، ری و گرگان بدان ناحیه بوده است. در مقایسه با سبزوار شهر نیشابور علیرغم داشتن شیعیانی چند مرکز دانش سنی بوده و شیعیان آن در فشار بوده‌اند. در حوالی سمرقند و کش نیز به دلیل فعالیت علمی عیاشی تشیع امامی از اواخر قرن سوم رو به توسعه نهاد.

از جمله مناطقی که نام آن در آثار شیعی آمده است سجستان است. این نام از کرمان تا جنوب خراسان و از آن سو تا سواحل دریای عمان و تا عمق شرقی سیستان امروزی را شامل میشود. از تشیع این دیار نیز اخباری وجود دارد. از جمله شهرهای دیگر شیعی در این عصر مدائن و اهواز است که شیعیان آن با امام عسکری علیه السلام در ارتباط بوده‌اند.

مدت ۵ سال استقرار امام علی علیه السلام در کوفه تشیع را در این شهر مستحکم کرد. پس از ساخته شدن آن بغداد با مهاجرت برخی کوفیان به این شهر تشیع در بغداد فعالیت خود را آغاز کرد و به تدریج افزایش یافت. همنشینی معتزله بغداد با شیعیان نیز دلیلی بر تحول اعتزال در بغداد شد. به گونه‌ای که ملطی، معتزله بغداد را از فرق زیدیه می‌شمرد.^۱

حرکت یحیی، اولین قیام شیعی در دیلم بوده و سرآغازی شد برای مهاجرت سادات به این دیار، که بیش از هفتصد سال بر آن حکمرانی کردند. منطقه دیلم از مناطقی است که در برابر فتوحات مسلمانان به شدت مقاومت کرد و تنها در قرن سوم با پذیرش اسلام زیدی بود که تسلیم شد. پس از آن نیز همواره مأمنی برای دشمنان خلافت عباسی

بود. آنچه از آمدن علویان به این دیار برجای ماند نفوذ اسلام شیعی در این دیار بود که با استقبال دیلمیان مواجه شد.

از برخی نقلها^۱ چنین به دست می‌آید که پیش از پیدایش دولت علوی در برخی مناطق طبرستان از جمله گرگان، مردم آن خطه از شیعیان امامی بوده‌اند. حکومت علویان سبب گرد آمدن بسیاری از سادات در نواحی طبرستان و دیلم شد و باعث استواری پایه های تشیع در این مناطق گردید.

باید توجه داشته وقوع حرکت های علوی در اقصا نقاط جهان اسلام نشان دهنده اوج گرفتن تفکر سیاسی شیعی در آن دوران است که تفاوت های عمده ای با تفکر اعتقادی شیعی داراست.

قاضی نور الله شوشتری نوشته است " اهل جرجان در تشیع مشهورند و در السنه جمهور به تصلب در آن مذکور^۲ " و نیز اشاره

^۱ بحار الانوار/ ۵۰/ ۲۶۳

^۲ مجالس المومنین/ ۱/ ۹۹

دارد که استر آباد (گرگان امروزی) از اصلی تری مراکز شیعه در ایران به شمار می‌آید. مقدسی نیز به حضور تشیع در گرگان قرن چهارم تصریح نموده است.^۱

بخش های مرکزی طبرستان مانند آمل و ساری نیز بر تشیع بوده‌اند. اما هرا اندازه که به سمت شرق و غرب از این مرکز دورتر برویم، سلطه مذهب سنت بیشتر میشود. به هر روی شهرت شهر جرجان به تشیع در قرن هفتم و هشتم به بعد کاملاً آشکار است. در قرن سوم در ایران برخی فعالیتهای اسماعیلی نیز وجود داشته و در مناطق مختلف افرادی چند، این دعوت را گسترش میدادند.

قرن چہارم

ربع آغازین قرن چهارم هجری سالهای آخر نواب خاص آخرین معصوم بود. در این سالها با پشت سر گذاشتن سالهای متمادی از عدم حضور مستقیم امام معصوم در جامعه بزرگ اسلامی (حضرات عسکرین و امام زمان علیه السلام) شیعیان به شیوه نامه نگاری برای ارتباط با ائمه و وکلای آنان آشنا شده و عادت کرده بودند؛ لذا در این سالها آثار بیشتری از مکتوبات شیعیان موجود بوده و از میان آنها می‌توان به گستره حضور آنان در سراسر بلاد اسلامی پی برد.

در میان تألیفات شیخ صدوق رحمته الله علیه نوشته‌هایی وجود دارد که نشان از ارتباط علمی او با شیعیان در شهرهای مختلف دارد.

نام قزوین، مصر، بصره، کوفه، مدائن، نیشابور و بغداد در پاسخ‌های شیخ صدوق رحمته الله علیه به سؤالات مکتوب شیعیان آن دوره، آمده است. وی دو کتاب "من لا یحضره الفقیه" و "کمال الدین" را برای شیعیان ماوراءالنهر نوشت؛ که نشانگر حضور جمعی از شیعیان در آن محدوده

است. مسافرت‌های وی به شهرهای مختلف از جمله ری، مشهد، کوفه، مکه، بغداد، همدان، ماوراء النهر، بلخ، سرخس، ایلاق، سمرقند و فرغانه با هدف رفع مشکلات و مسائل شیعیان بلاد اسلامی، شاهی بر حضور تشیع در این شهرها است.

ذهبی در حوادث سال‌های حوالی ۳۶۳ هجری می‌نویسد: "در این ایام تشیع مغرب و عراق و حجاز را گرفته بود و تسنن تنها در خراسان و اصفهان سرپا بود."^۱ قاضی عبدالجبار نیز در کتاب خود به صراحت اشاره دارد که تشیع از سال سیصد و پنجاه به بعد به اکثریت دست یافته است.^۲

در این قرن استان فارس به دلیل سلطه آل‌بویه بر آن، یکی از مراکز عمده شیعه به حساب می‌آمد. کشف قبر جناب احمد بن موسی علیه السلام فرزند امام کاظم علیه السلام و برادرش محمد علیه السلام نیز به گسترش

^۱ تاریخ الاسلام ذهبی/۲۶/۲۵۵

^۲ المغنی/۲۱۱

تشیع در این شهر کمک شایانی کرد. جدا از این اخبار جز آنکه این شهر از مراکز اصلی قدرت بویه‌یان بوده و آنان مردمانی شیعه مسلک بوده‌اند؛ آگاهی چندانی از تشیع فارس در دست نیست.

طالبیان در خراسان و دیگر نقاط همیشه مروج تشیع بوده‌اند. گاه تشیع زیدی، گاه امامی و حداقل نوع خاصی از تشیع در شکل دوستی اهل بیت علیهم‌السلام.

نیشابور از مناطقی است که گروه‌های متعصب سنی در آن حضور داشته‌اند. در مقابل شیعیان و متشیعان فراوانی نیز در این شهر بوده‌اند. تعصب مذهبی شدیدی در این شهر بر ضد شیعه و معتزله وجود داشته است. در آغاز دولت غزنوی که کار برای شیعیان و معتزلیان سخت شد؛ در نیشابور، یکی از عالمان سنی مسجد شیعیان امامی را منهدم کرد. قرن پنجم قرن رشد تصوف در نیشابور است. در این قرن نزاع

حنفی - شافعی تا اندازه‌ای در نیشابور و دیگر شهرهای ایران شهرت داشت که نوبت به نزاع شیعیان و سنیان نمی‌رسید.

با وجود گستردگی تشیع در خراسان، این نظر ایوانف^۱ که تشیع در خراسان و آسیای مرکزی در قرن چهارم گسترده بود و شهرهای بلخ و سمرقند و مرو و سایر شهرها از مراکز تشیع بوده با این گستردگی قابل قبول نیست.

قم یکی از مراکزی است که مورخین و سیاحان قرن چهارم به تشیع آن تصریح کرده‌اند. یکی دیگر از مناطق شیعه نشین ایران در قرن چهارم استان کرمان است. که منطقه‌ای پیوسته و وسیع بوده است. عبارات مقدسی^۲ نشان دهنده گسترش جریانات شیعی در سراسر کشور اسلامی در قرن چهارم هجری است. مقریزی^۳ نیز بر این امر

^۱ اسماعیلیان در تاریخ / ۴۱۶

^۲ أحسن التقاسیم

^۳ المواعظ و الاعتبار / ۳۵۸/۲

تصریح کرده است. در اکثر شهرهای شیعی اکثریت مردم شیعه بوده‌اند؛ همچنین در شهرهای دیگر چون قزوین که به تسنن شهرت داشته است شیعیان فراوانی یافت می‌شد. در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم افریقیه نیز مسکن شیعیان فراوانی بوده است.

اصرار سامانی‌ها بر تسنن از نیمه دوم قرن سوم (۲۶۱) تا اواخر قرن چهارم (۳۸۹) عامل عمده ضعف تشیع در خراسان بود. با پایان حاکمیت سامانی‌ها در خراسان در پایان قرن چهارم، غزنوی‌ها بر منطقه تحت سلطه آنها چیره شدند. شیوه غزنوی‌ها چون سایر ترکان پافشاری در تسنن و سختگیری بر شیعیان بود. برپایی دولت غزنوی عامل دیگری برای سد راه گسترش تشیع در خراسان بود.

در مورد مذهب شیعیان طبرستان و گیلان چنین آمده است که آنها زیدی بوده‌اند.^۱ از آنچه در تاریخ آمده چنین به دست می‌آید که

^۱ مجالس المؤمنین/ ۹۶/۱

طبرستان و دیلم بویه شهر آمل از پایگاه‌های سنتی تشیع در ایران بوده که دوگونه شیعه زیدی و امامی را در خود جای می‌داده است. مقدسی از گرگان نیز یاد کرده است.

تسنن افراطی اصفهان در قرون نخستین هجری، راویان اخبار شیعی را که از عراق به نقاط مختلف ایران سرازیر شده و احادیث امامان را نشر می‌دادند؛ بر آن می‌داشت تا به این شهر آمده و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام را نشر دهند. از جمله عالم جلیل القدر شیعی یعنی احمد بن محمد بن برقی رحمته‌الله صاحب کتاب المحاسن به اصفهان رفت و آمد داشته است.

بجز شیعیان امامی یا کسانی که روایات امامان را نقل می‌کردند، شیعیان زیدی نیز در اصفهان حضور داشته‌اند. مهمترین چهره آنها ابو الفرج اصفهانی (۲۵۶-۲۸۴) است. در اصفهان سنیان محب اهل بیت که راوی اخبار فضایل ایشان باشند، نیز فراوان بوده است. اینان نقش

مهمی در تعدیل تسنن افراطی اصفهان داشته و زمینه را برای ایجاد محبت نسبت به اهل بیت در این شهر فراهم کرده‌اند.

قرن چهارم را می‌توان قرن گسترش تشیع دانست. این گسترش معلول عوامل متعددی از جمله تشکیل دولت‌های شیعی بوده است. این دولت‌ها در مصر توسط فاطمیان، در عراق و ایران توسط آل‌بویه، در سوریه توسط دولت حمدانی‌های شیعی و در یمن توسط زیدی‌ها تشکیل شدند. لازم به ذکر است اگر قرمطی‌ها را نیز شیعه غالی بدانیم، باید عدد چهار را به پنج افزایش دهیم و در این صورت پدید آمدن دولت اشراف در مکه را نیز باید ششمین دولت شیعی دانست.

سلاطین آل‌بویه از قدرتمندترین زمامدارانی هستند که بر کشور اسلامی حاکم شدند. در طول بیش از یک قرن عمر دولت آل‌بویه، ترویج شعائر شیعی به صورت معتدلی رواج داشت. تقویت و تجهیز

شهر قم توسط آل‌بویه کمک موثری به رشد شیعه در مناطق مختلف جبل بود.

در دوره بویه‌یان شیعه در ایران و عراق از لحاظ فرهنگی رشد چشمگیری داشته و فعالیت علمی شیعه در بغداد نیز در سایه حمایت آنان رشد قابل توجهی داشت.

قرن پنجم

هر مقدار که تشیع با روی کار آمدن آل بویه در مرکز ایران و نیز عراق توسعه یافت، پیروزی غزنوی‌ها در شرق بر تسنن کهن این دیار افزود. سلطنت محمود غزنوی و سخت‌گیری القادر بالله و احیای اصول حنبلی‌گری توسط وی در بغداد سدی استوار در برابر رشد تشیع بود. عناد سلطان محمود غزنوی با تشیع در بسیاری از اقدامات او روشن است. او هنگامی که در سال ۴۲۰ به ری حمله کرد کتابخانه عظیمی را به آتش کشید.

صاحب فضائح بر این باور است که سلجوقیان سخت‌گیری فراوانی بر شیعه کرده‌اند. ولی عبدالجلیل قزوینی در مورد برخورد سلجوقیان با تشیع باور ندارد که دشمنی مهمی با شیعه صورت گرفته باشد؛ بلکه در مجموع بر آن است تا نشان دهد سلاجقه مشکل خاصی برای شیعه امامیه به وجود نیاورده و با تسامح با آن برخورد کرده‌اند.

نظام الملک وزیر ملک‌شاه مهمترین وزیر دولت سلجوقی است که سختگیری وی بر فرق تشیع به‌ویژه اسماعیلیان که در آخر به‌دست ایشان نیز کشته شد، شهرت زیادی دارد.

تلاشهای وی که طرفدار سرسخت تسنن شافعی بوده، برای کوبیدن باطنیه و اسماعیلیه و در کنارش شیعه امامیه شهره تاریخ است. البته سختگیری بیشتر در مورد باطنی‌ها و اسماعیلی‌ها که در صدد کسب قدرت بودند، اعمال می‌شد. اگرچه امامی‌ها نیز از آن بی‌بهره نبودند زیرا با وجود تفاوت آشکار میان شیعیان و باطنیان، برای عوام مردم جدا کردن آنها از یکدیگر مشکل بود.

اهل سنت کمال استفاده را از حکومت ترکان برده و از دولت آنها ابزاری در جهت سرکوبی تشیع که به تازگی رو به رشد نهاده بود، ساختند. تا جایی که احادیثی در تمجید از ترکان ساخته شد به شرط آنکه مذهب سنی حنفی!!!! را حفظ کنند. نکته جالب آنکه اگرچه

حکومت سلجوقی حامی قطعی تسنن بود؛ اما کارایی شیعیان در امور دبیری، باعث رشد و گسترش تشیع، علیرغم فشارهای زیاد برای محدود ساختن و خاموشی تشیع در این دوره بود.

مهاجرت علویان از اواخر قرن دوم هجری به سوی طبرستان آغاز و دامنه این مهاجرت در قرن سوم گسترش یافت. ری و طبرستان از قرن سوم تا پنجم، مرکز استقرار علویان در ایران بودند.

مهمترین دلایل مهاجرت علویان، ظلم و جور امویان، ولایت عهدی امام رضا علیه السلام، قیام علیه عباسیان و همراهی با حکومت علویان در طبرستان بوده است.

ری به عنوان چهارراه تمدن اسلامی میان شرق و غرب، مرکزیت علمی و سیاسی خاصی در بین گروه های مختلف داشته که همواره مورد توجه آنان بوده؛ چرا که از یک سو با طبرستان زیدی مرتبط و از سوی دیگر با قم به عنوان مرکز حدیث امامیه مرتبط بود.

اگرچه جبال-منطقه میان ری، اصفهان و همدان- بستر مناسبی برای فعالیت هر سه گروه شیعی بود، اما طی قرون سوم تا پنجم بیشتر محل فعالیت انقلابیون زیدی و پس از آن تا حمله مغول نیز اختصاص به اسماعیلیان داشت. در این میان امامیه به فعالیت‌های علمی و تبلیغی مشغول بوده و در عمل، نتیجه کار، باقی ماندن امامیه در صحنه، به‌ویژه در منطقه ری بود که نشانگر معقولیت، مقبولیت و نفوذ شیعه امامیه در این دیار است.

از دیگر عوامل غلبه امامیه در ری، نزدیکی آن با قم و وجود خاندان‌های اصیل شیعی-که نسل اندر نسل از عالمان بودند-بود. از جمله این خاندان‌ها خاندان بابویه است. ظهور خاندان کلینی از کلین ری و تأثیر عمیق شیخ کلینی رحمه الله در حدیث شیعه، نشان از عمق نفوذ فرهنگ شیعه در این منطقه دارد.

گسترش تشیع در ری در دوره بویه‌یان در قرن چهارم تا دو دهه نخست قرن پنجم به اوج خود رسید. حکومت هشتادساله آل بویه بر ری سبب غلبه گرایش شیعی در این شهر شد؛ کما اینکه در سایر نقاط تحت سلطه ایشان نیز وضع به همین منوال بود.

حضور هجده ساله صاحب بن عباد رحمته الله در مسند وزارت نیز می‌تواند از عوامل شیوع تشیع ولو در حد ضعیف، در مناطقی باشد که او به آنها رفت و آمد داشته است. مهمترین این مناطق اصفهان، ری و قزوین بوده‌اند. قدرت سیاسی وی در ری و اصفهان سبب جذب عالمان زیادی با تفکر شیعی یا معتزلی بود.

به گفته دکتر صبحی^۱ در رابطه شیعه و اعتزال به دو مرحله می‌توان اشاره کرد؛ مرحله اول گرایش شیعی معتزله و مرحله دوم اضمحلال اعتزال در تشیع بوده است.

^۱ فی علم الکلام/۱/۳۴۶

شیخ مفید رحمته الله علیه که متأثر از نوبختیان متکلم شیعی بغداد و فضای کلی این شهر بود، بنا را بر تقویت تفکر اصولی در شیعه گذاشت. خطی که برای مدتی با غلبه مکتب حدیثی قم مغفول مانده بود.

با توجه به کتاب النقض مهمترین منبع تبیین جغرافیای دینی ایران در قرن پنجم و ششم از جمله شهرهای شیعی ایران در این قرن می‌توان کاشان، آوه، ورامین، ساری و سبزوار را نام برد. وی در جای دیگر مناطقی را که بعضاً شیعه‌نشین هستند را نیز یاد کرده که البته برخی از آنان مانند قزوین که دارالسنه بوده است، تنها اقلیتی شیعی داشته و شیعیان در آنجا کم و بیش تحت فشار بوده‌اند. شهر همدان نیز که مسکن سنیان بوده، برخی خاندان‌های شیعی را در خود داشته است.

در خراسان شهر طوس مدفن امام رضا علیه السلام یکی از نقاطی بوده که تشیع در آن رواج داشته است. به طور کلی حضور سادات در شهرهای

مختلف نمودار وجود تشیع در این شهرها است، زیرا که سادات به طور عموم شیعه بوده و یا علائق شیعی سختی داشته‌اند.

در قرن پنجم هجری فعالیت اسماعیلیان در ایران روبه‌فزونی گذاشت. اصفهان، ری و خراسان از جمله مراکز فعال آنها بود. ساوه نیز که از مراکز تسنن و همیشه با آوه شیعه نشین درگیر بود، به صورت یکی از پایگاه‌های ایشان در آمد.

قرن ششم

شاهان و امیران سلجوقی همانند غزنویان و سامانیان که از شرق دور برخاسته بودند نوعاً جانبدار تسنن افراطی بوده و با تشیع درگیر بودند. در این دوره یکی از ارکان رشد تشیع نفوذ شیعیان امامی مذهب در ساختار اداری دولت سلجوقی بود. یکی از آثار حکومت صد ساله آل بویه پرورش و رشد نسلی از جوانان شیعه مذهب از لحاظ اداری و فرهنگی به عنوان طبقه فرهیخته جامعه بود؛ که اغلب مناصب مهمی در اختیار داشتند.

طی قرن‌های گذشته جدای از مسأله حاکمیت، تمایلات شیعی در بسیاری از سنجان بوجود آمده بود. تشیع امامی و زیدی ایران از کوفه، بغداد و سپس نجف و حله تغذیه می‌شد. ارتباط میان تشیع عراق و ایران در طول نه قرن نخست، چهار نقطه عطف داشته است.

۱. مهاجرت اشعریان عراق به قم در اواخر قرن اول هجری

که مبدأ تأسیس تشیع امامی در ایران است.

۲. تأثیر تشیع بغداد و نجف بر ایران در قرن پنجم و ششم.

۳. تأثیر مکتب حله بر ایران در قرن هشتم.

۴. تأثیر جبل عامل و بحرین بر ایران با تأسیس دولت

صفوی.

به همین دلیل است که هویت تشیع ایران چیزی جز تشیع عربی

نیست.

حوزه علمی شیعه در بغداد به ویژه در دوره بویه‌یان به پشتوانه

آنچه از کوفه و قم گرفته بود، نیرومند بود. باید توجه داشت که انتقال

دانش شیعی عراق به ایران از طریق برخی از شاگردان ایرانی

شیخ مفید، سیدمرتضی و شیخ طوسی رحمته‌م‌الله اتفاق می افتاد.

ری را می توان از پایگاه های تشیع ایران در قرن ششم دانست.

کتاب الفهرست منتجب الدین، آیینہ تشیع شهر ری در این قرن است.

در ری شیعیان در محیطی زندگی می کردند که سنیان فراوان بوده و

عالمان زیادی از اهل سنت در آن می زیسته اند؛ طبعاً شیعه از روی

تسامح با این مسأله برخورد می‌کرده و گاه این تسامح به عنوان تقیه شدت می‌یافت.

از کتب أنساب می‌توان دریافت که سادات فراوانی در ری و اطراف آن می‌زیسته‌اند. بخشی از شیعیان ری و نیز منطقه قصران زیدی بوده و گروه بزرگتری در این منطقه و نواحی دیگر ری، امامی‌مذهب بوده‌اند. بنا بر آنچه در کتاب النقض آمده است برخورد تندی میان این دو گروه وجود نداشته است. عبدالجلیل از عالمان زیدی ستایش کرده است.^۱

مهمترین منطقه شیعه نشین ری مصلحگاه است. ری در آغاز قرن هفتم به سه بخش تقسیم می‌شد. یکی متعلق به حنفیان، دیگری شافعیان، و سوم شیعیان که محلات ایشان در ری قدیم بوده‌است. در این زمان مدارس فراوانی برای شیعیان در ری وجود داشته است.

آنچه مسلم است نزاع گروه های حنفی - شافعی کمتر از نزاع سنی - شیعه نبوده و اصولاً یکی از دلایل پیشرفت تشیع در ری را می توان همین نزاع مداوم حنفی - شافعی دانست. شیعیان، حنفیان و شافعیان در محافل علمی یکدیگر شرکت جسته، ولی در نماز هیچیک به دیگری اقتدا نکرده و هر گروه جداگانه نماز برگزار می کرده اند. بخش اعظم جمعیت ری را شیعیان تشکیل می دادند، سپس حنفیان در اکثریت و شافعیان در اقلیت بوده اند.

چنانکه پیشتر گفته شد، ری تحت تأثیر قم به تشیع گرایش یافت و البته مهاجرت خاندان بابویه از رسوخ تشیع در این شهر و سبقه شیعی آن حکایت دارد. با اوج گیری تشیع ری، مردم نواحی اطراف از جمله ورامین و کلین نیز به مرور به تشیع گرویدند. عالم بزرگ شیعی محمد بن یعقوب کلینی رحمته الله علیه از قریه کلین در نواحی ری بوده است. نواحی میان ری و طبرستان نیز عمدتاً شیعه بوده اند که قصران از مهمترین آنهاست.

اگرچه اکثریت جمعیت خراسان از سنیان بوده، این خطه از قرن دوم بدین سو از مراکز تشیع به حساب آمده و درگیری‌های زیادی بین این دو گروه رخ می‌داده است. البته در ری، قم، کاشان، آوه، اوجان و قزوین شیعیان و سنیان به زیارت امام‌زادگان می‌رفته‌اند. طوس نیز از مراکز تشیع در خراسان بوده است و به همین دلیل از دیرباز لقب طوسی در میان شیعیان کثرت داشته، حتی اگر همچون شیخ طوسی رحمته‌الله علیه در بغداد و نجف زندگی کرده باشند.

طبرستان نیز در طول قرون اولیه مرکز پرورش علویان و شیعیان بوده است. طبرستان هم سادات عراق را در خود می‌پذیرفت و هم ساداتی به خراسان و نقاط دیگر از آنجا مهاجرت می‌کردند.

در مورد تشیع قزوین نیز در این قرن دو سند مهم وجود دارد، یکی کتاب النقض عبدالجلیل قزوینی و دیگری الفهرست منتجب‌الدین رازی. در این دو سند نام خاندان‌ها و علمای شیعی قزوین ذکر شده است. در نواحی قزوین نیز مناطق شیعه نشین زیاد بوده است، اگرچه

ذکر کردیم که قزوین به دارالسنه^۱ شهرت داشته است. همچنین با وجود سختگیری های فراوان که موجب کاهش حضور سادات در قزوین شده بود، همچنان مهاجرت برخی سادات را به دلیل مرکزیت این شهر، بدانجا شاهد هستیم.

ورامین از دیگر شهرهای شیعه نشین قرن پنجم و حتی پیش از آن است که به دلیل نزدیکی به ری، قم و طبرستان و سکونت سادات در آن به تشیع گروید.

ورامین و سایر نواحی ری، تمدنی به دیرینگی تمدن کهن ری دارند. عمران و آبادانی وسیعی که از قرن چهارم تا ششم در ری و نواحی آن صورت گرفت، سبب رشد شهر ورامین شد و به همت جمعی از خاندان های شیعی، تعدادی مدرسه و مسجد در این شهر ساخته شد. همچنین برای برخی امام زادگان مقبره هایی بنا شد.

منتجب‌الدین نام شماری از عالمان ورامین را در الفهرست خود آورده است.

بیهق به مرکزیت سبزوار نیز از مراکز شیعی است. گرچه در قرن ششم زیدیان و معتزلیان نیز در آنجا فراوان بوده‌اند. در کتاب النقض و بسیاری از منابع دیگر از سبزوار در قرن ششم به عنوان یکی از شهرهای شیعه یاد شده است. مادلونگ در باره حضور زیدیان در بیهق نوشته است: "یکی دیگر از مراکز علمی زیدیان در خارج از منطقه ایالت جنوبی خزر شهر بیهق بود."

تألیف دو کتاب با موضوع دعا در ادبیات فارسی، نشان از فراگیری استفاده از این قبیل کتاب‌ها توسط فارسی زبانان داشته و نفوذ و قدرت تشیع در ایران را نمایان می‌سازد.

به‌رغم فراوانی شیعیان در نیشابور، این شهر به دلیل اهمیت محوری آن برای خراسان و جمعیت قابل ملاحظه آن، تا قرن هشتم مرکز تسنن بوده است. به گزارش خواجه‌علی‌مؤید اکثر مردم سبزوار

شیعی مذهب بوده و مردم اصلی نیشابور اکثراً سنی و به واسطه حاکم شیعی (از سربرداران) ایشان نیز اظهار تشیع می‌کردند. تشیع کهن سبزوار نیز که ریشه عمیقی داشت، سبب شد تا بعدها در روزگار صفوی این شهر در معرض تهاجم ازبکان قرار گیرد. درباره نیشابور نیز شواهدی از تشیع داریم.

منطقه‌ای که تحت حکمرانی خوارزمشاهیان قرار داشت، از دور زمان مرکز تسنن بود. گرچه در آن دیار سادات نیز که عمدتاً شیعه بودند، نفوذ گسترده‌ای داشتند.

پس از سقوط دولت سلجوقی و حتی در اواخر دوره سلجوقی، تشیع در خراسان گسترش یافته بود. این حقیقت از کتاب النقض که در دوره متأخر سلجوقی نوشته شده به خوبی آشکار است. در قرن ششم که کتاب مزبور تألیف شده منطقه جبال مملو از شیعه بوده و در مقابل خراسان سنی مقاومت می‌کرده است. برابری تشیع جبال و تسنن ماوراء النهر را خواجه نظام الملک نیز گزارش کرده است. تخصص مردم

جبال مانند قم و کاشان سبب نفوذ آنها در تشکیلات اداری دولت سلجوقی شد.

عبدالجلیل در قرن ششم به مناسبت‌های مختلف از تشیع کاشان یاد کرده است؛ از جمله قول مخالفان تشیع را آورده که در مورد تشیع قم و کاشان می‌گفتند:

حمد لله که ما مسلمانیم نه ز قمیم و نه ز کاشانیم

وی در جای دیگری نیز مناطق شیعه‌نشین در ایران و سرزمین‌های عربی را به این ترتیب ذکر می‌کند: "آن که در ولایت حلب و حران و کوفه و کرخ بغداد و مشاهد ائمه و مشهد الرضا و قم و کاشان و آوه و سبزوار و گرگان و استرآباد و دهستان جربادقان و همه بلاد مازندران و بعضی از دیار طبرستان و نواحی بسیاری از ری و بعضی از قزوین و و نواحی آن و بعضی از خرقان همه شیعی اصولتی امامتی باشند."^۱

همچنین درباره برگزاری نماز جمعه شیعه در شهرهایی چون کاشان، قم، آوه، ورامین، همه‌بلاد شام و دیارمازندران گزارش می‌دهد. بسیاری از مردم کاشان -که منطقه‌ای ادیب پرور بوده- شغل دبیری داشته و در دستگاه سلجوقی نفوذی چشمگیر یافته‌اند. وجود شاعری چون ابوالرضا راوندی با داشتن دیوان شعری به زبان عربی با قوت تمام شاهدهی بر حضور ادبیات قوی عربی در میان مردم کاشان است که همگی شیعه بوده‌اند.

راوند با فاصله تقریبی دوازده کیلومتری از کاشان در مسیر جاده قم به کاشان از مراکز تشیع در نواحی جبال بوده است. یکی از برجسته‌ترین عالمان شیعی در قرن ششم قطب‌الدین سعیدبن عبدالله راوندی از مردمان همین شهر است که به دلیل برجستگی علمی به ری مهاجرت کرده و در آنجا نقش مهمی در تدوین برخی معارف شیعه در دوره خویش بر عهده گرفته است. افزون بر راوند تمامی قریه‌های تابع کاشان شیعی بوده‌اند. یکی از آنها ماه‌آباد است که افضل‌الدین حسن

بن علی ماهابادی منسوب به آن است؛ وی شرحی بر نهج البلاغه داشته و شاعر نیز بوده است.

در آثار شیخ مفید رحمته الله علیه و سیدمرتضی رحمته الله علیه، وجود شیعیان در جرجان -در همسایگی طبرستان و مازندران- از سوالات فقهی آنها که به بغداد می‌رسید، هویدا است. سیدمرتضی رحمته الله علیه کتاب المسائل المیفارقیات را در پاسخ به پرسش‌های شیعیان میافارقین از مشهورترین شهرهای دیار بکر واقع در جنوب ترکیه فعلی نگاشته است.

عالمان شیعه ایران در قرن پنجم و ششم به بغداد رفته و پس از تحصیل نزد علمای برجسته شیعه مانند شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی و کراجکی رحمته الله علیه به شهر و دیار خود در ری، سبزوار و نقاط دیگر باز می‌گشتند. یکی از این مناطق استر آباد است.

ابوطالب مناقب‌خوان فهرستی از شهرهای شیعی که طی چهل سال در آنها مناقب اهل بیت را خوانده است، ارائه می‌دهد که عبارتند نام ری، قزوین، قم، کاشان، آبه، نیشابور، سبزوار، جرجان، استر آباد و

بلاد مازندران در آن به چشم می‌خورد. این مطلب را می‌توان شاهی بر حضور علنی شیعیان در این شهرها دانست. بکیر بن ماهان میگوید: "من تمامی آفاق را گشته‌ام به خراسان نیز رفته‌ام و همراه یزید بن مهلب شاهد فتح جرجان بوده‌ام. فما رأیت قوماً أرق قلوباً عند ذکر آل رسول الله ﷺ من اهل المشرق". طبق شواهد علامه حلی رحمته الله در قرن هفتم به ایران آمده و با سنیان به مباحثه نشست؛ و به نوشته کتاب‌النقض در سال ۵۰۰ هجری، یکی از علمای شیعه به نام ابواسماعیل حمدانی به اصفهان رفته و "با ملاحده لعنهم الله مناظره کرد و ایشان را منکوب و منکوس کرد." وی وجود کتب شیعه در کتابخانه بزرگ اصفهان را نیز گزارش کرده و میگوید: "به اصفهان و همدان و ساوه و قزوین و بلاد آذربایجان و دگر بقاع سنیان باشند." ^۱ جایی دیگر از اصفهان به عنوان دارالسنة و الجماعة یاد شده است (۵۹۶).

تقابل قم و اصفهان در این دوره نیز مطرح است. وجود برخی نویسندگان شیعی و کتب برجای مانده ایشان مانند رشح الولاء فی شرح الدعاء در شرح دعای صنمی قریش نشانگر حضور تشیع در اصفهان است. سنیان اصفهان نیز مانند سنیان سایر مناطق ایران، ملاحده اسماعیلی را با شیعیان امامی یکسان میدیدند.

بیان الادیان ابو المعالی محمد الحسینی العلوی به کثرت شیعیان در خراسان و مازندران اشاره دارد. وی فرقه امامیه را اکثریت شیعیان ذکر می‌کند. در این زمان عبد الجلیل نیز از نگرش عالمان بزرگ شیعی در بغداد چون سید مرتضی و شیخ طوسی رحمتهما الله به شیعه اصولی یاد می‌کند. مجدالملک از وزرای شیعی عهد سلجوقی است. وی در اصل از براوستان قم بوده و عبدالجلیل همه جا از وی تجلیل کرده و کوچکترین تردیدی در تشیع امامتی وی نکرده است. عبدالجلیل می‌کوشد تا قرابتی را میان ابوحنیفه و شافعی از یک سو و شیعه سلف

و معتقدات آنها به وجود آورد. به نوشته وی در آن زمان ری در اختیار

حنفی ها بوده، گرچه شافعیان نیز اقلیت قدرتمندی بوده اند.

ظاهراً در بیشتر نقاط سنی نشین، رسم عزاداری سالار شهیدان در محرم وجود داشته است. در همه بلاد اصحاب شافعی و بلاد اصحاب ابوحنیفه، فحول علما در موسم عاشورا، با جزع و نوحه و زاری تعزیت داشته و بر شهدای کربلا می گریسته اند.^۱

هویت شیعی معتدل در توحید و سختگیر در عدل، نسبت به اختلافات تاریخی تساهل داشته و می کوشد آن را از گردونه خارج کند. تشیع معتدل نمودار تشیع قرن ششم به ویژه در شهر ری می باشد.

قرن هفتم

در نیمه نخست قرن هفتم هجری تحول عظیمی در عالم اسلام پدید آمد. صحرانشینان مغول تحت رهبری چنگیز با یکدیگر متحد شده و حرکت خود را برای تسخیر بلاد غربی سرزمین خویش آغاز کردند. این لشکر از اواخر دهه دوم قرن هفتم حملات خود را به خراسان آغاز کرد و با حوصله تمام طی چهل سال توانست مقرر خلافت عباسی را به تصرف در آورده، حکومت عباسی را در سال ۶۵۶ منحل سازد. الناصر لدین الله (۵۷۵-۶۲۲) در عین اینکه عباسی بود و خلافتش را دوست داشت، علائق شیعی داشت. در این زمان بغداد مملو از نیروهای شیعی فعال در ادب و سیاست بود. طبعاً رقابت سیصد ساله میان سنیان و شیعیان نیز به سختی وجود داشت.

نفوذ تشیع در دستگاه اداری بنی العباس در این اواخر به اندازه‌ای بود که بسیاری از وزرای آنان شیعی بودند. با این حال در تشکیلات خلافت عناصری از سنیان بودند که گاه خلیفه را به چرخش علیه

شیعیان وا می‌داشتند. با این رفتار آنها بغداد با خون و آتش آمیخته شده بود و تلفات فراوانی برای دو گروه به بار می‌آمد. این برخورد حتی در یکی از آخرین سال‌های خلافت عباسی (۶۵۴) در بغداد رخ داد^۱ و کینه شیعیان را از خلافت عباسی به جهت ظلمی که در حق آنان شده بود، بیشتر کرد.

دشمنی ریشه‌دار شیعیان و سنیان بغداد علیرغم وجود نیروهای اهل مصالحه در هر دو سو سبب شد تا در جریان سقوط بغداد که در واقع سقوط خلافت عباسیان بود؛ سنیان، شیعیان را متهم کرده و آنها را عاملی برای تحریک مغولان در ساقط کردن خلافت عباسی به حساب آورند. بعدها سنیان افراطی بغداد که از حنابله بوده و دشمنی عمیقی با شیعیان و حتی سایر سنیان داشتند، قلم به دست گرفته و در این باره اتهامات فراوانی را متوجه رهبران شیعه در بغداد کردند.

^۱ تاریخ الفخری/۴۴۶

در مورد نقش خواجه نصیرالدین رحمه الله در فتح بغداد، که برخی نویسندگان از جمله ابن تیمیه^۱ مطرح کرده‌اند، صرف‌نظر از این که چنین اقدامی نقطه قوتی باشد یا نباشد، از نظر مدارک و منابع تاریخی شرکت خواجه در این ماجرا محل تردید است. زیرا آثاری که وی را در این مسأله مؤثر می‌داند قرن‌ها بعد از آن ماجرا نوشته شده و نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد. گشودن بغداد از سال‌ها پیش مورد توجه مغولان بوده و ربطی به خواجه نصیر رحمه الله نداشته است.

البته تردیدی در اینکه خواجه - از روی اجبار یا به خواست خود - با مغولان همراه بوده نیست؛ آن زمان بسیاری از چهره‌های برجسته ایرانی و مسلمان که در خراسان به مغول ملحق شده بودند - نظیر برادران جوینی - در کنار مغولان بودند. خواجه در طی سال‌های

^۱ منهاج السنة النبویه / ۱۹۹/۲

پایانی عمر خود به کارهای علمی در این دولت اشتغال داشته و پس از او نیز دو فرزندش کار پدر را ادامه دادند.

خواجه همانند بسیاری دیگر تصمیم خود را گرفت و در کنار هولاکو به راه افتاد. تشخیص او چنین بود که این تنها راه برای حفظ تمدن اسلامی است. او از میان کتابخانه‌هایی که در شهرهای بزرگ همچون بغداد و شام و جزیره ویران و غارت شده بود کتاب‌ها را جمع‌آوری کرده و کتابخانه‌ای مشتمل بر چهارصد هزار جلد کتاب برپانمود.

در مورد اتهام همکاری ابن علقمی (وزیر امامی دربار عباسی) در سقوط بغداد نیز باید گفت یک سال قبل از حمله مغول، فاجعه‌ای در بغداد رخ داد که در ادامه درگیری‌های شیعه و سنی بود. در این جریان بعد از یک درگیری بین این دو گروه که منجر به قتل یک نفر گردید، فرزند بزرگ خلیفه و نیز فرمانده نیروهای نظامی عباسی مجاهد الدین

دواتدار به محله کرخ که محل سکناى شیعیان بود حمله کرده و جنایات فجیعی را مرتکب شدند و این مسأله اتهام به وزیر را تقویت کرد.

تسلیم شدن مردم شهر حله که یکی از پایگاه‌های اصلی شیعیان بود -مانند بسیاری از شهرهای دیگر نظیر بصره که البته برخاسته از حرکت عاقلانه آنها برای حفظ میراث علمی فرهنگی آن دیار بود- به ضمیمه حضور خواجه نصیر در کنار هلاکو، اتهام دست داشتن شیعیان را در این قضایا تقویت نمود. بعد از گذشت نیم قرن از آمدن مغول، تشیع نیز در جهان اسلام فزونی گرفت و سلطان محمد خداپسند شیعه شده و سکه به نام دوازده امام زد. این‌ها سبب برآشفستگی مورخان متعصب آن دوره شد و بر تحلیل‌های ایشان در حوادث بغداد اثر گذاشت.

هم خواجه و هم ابن علقمی و همچنین شیعیان و عالمان شهر شیعه‌نشین حله و نیز بسیاری از دیگر شهرها وقتی غارتگری مغولان را دیده و عدد نفرات آنها را از یک طرف و اختلاف و نزاع حاکمان مختلف محلی را در ایران و عراق از طرف دیگر مشاهده کردند، امید خویش را در مقاومت بی‌حاصل دیده و تصمیم گرفتند که از طریق مصالحه با آنها به نحوی آنان را وادار به پذیرش فرهنگ اسلامی کنند؛ هرچند بی‌شک مقدم بر این مسأله نجات دادن مردم، عالمان و کتابخانه‌ها بود که تا حد ممکن در این جهت نیز کوشیدند. این مسأله در مورد شهر شیراز نیز رخ داد و مردم به شدت از کار حاکمانشان در تسلیم شدن راضی بودند.

این هوشیاری سبب شد تا بعد ها تشیع قوام گرفته و حتی برخی از سلاطین مغول چون خدابنده تحت تأثیر افرادی نظیر علامه حلی رحمته الله علیه شیعه شوند. در حقیقت می‌توان چنین اقداماتی را مقطعی تازه در رشد

و گسترش تشیع دانست؛ بخصوص که با حاکمیت مغولان یک نوع تسامح دینی به وجود آمد و شیعیان آزادانه به تبلیغ آراء و افکار خویش پرداختند. با این حال نباید ارتباط خاصی میان شیعه و مغول برقرار کرد چرا که در همان فتح بغداد مغولان پس از وارد شدن به شهر هم سنیان و هم شیعیان را کشتند.

به نقل ابن طاووس رحمته الله (م ۶۶۴) گروهی از عجمان (ایرانیان) روز نهم ربیع را جشن و سرور برپا می‌کرده بودند که احتمالاً اشاره به مراسم روز نهم ربیع در کاشان دارد نشان از آزادی عمل شیعیان در آن دوران دارد. خاندان جوینی با تسلطی که بر شرق جهان اسلام داشت عامل مهمی در رواج تشیع بود. نکته دیگر آنکه تشیع اعتدالی که در قرن چهارم هجری از میان عالمان شیعی بغداد آغاز شد، دامنه آن طی قرن هفتم در ایران گسترش یافت.

قرن هشتم

مرکز ثقل جهان تشیع در قرن هشتم شهر حله در عراق و در مرتبه‌ای پایین تر شهر حلب در شام بوده است. گواه این امر، القاب عالمان شیعی است که به این دو شهر منتسبند. بسیاری از عالمان شیعی از کاشان، گرگان و نقاط دیگر برای تحصیل به حله می‌رفته‌اند. بزرگترین عالم شیعی این دوره یعنی علامه حلی و فرزندش فخرالمحققین رحمتهما الله متعلق به این شهر هستند. محقق حلی رحمتهما الله (۶۰۲-۶۷۶) نیز از اهالی همین شهر بوده است.

مهمترین مطلب در تشیع ایران در قرن هشتم رواج تشیع پس از سقوط خلافت عباسی در نیمه قرن هفتم و آغاز قرن هشتم است. حتی پیش از آنکه الجایتو تصمیم به رسمیت مذهب امامیه بگیرد، شمار شیعیان در تمام مناطق شرق جهان اسلامی رو به افزایش گذاشته بود. به گزارش حافظ ابرو پس از تشیع الجایتو حکم رفت که در تمام ممالک ایران زمین تغییر کنند خطبه را و نام صحابه سه گانه از خطبه

حذف شده و تنها نام امیر المومنین علی علیه السلام و حسن و حسین علیهما السلام ذکر شود. همچنین در سال ۷۰۹ نقش سکه ها از نام خلفا به نام امیر المومنین علیه السلام تغییر یافته و جمله حی علی خیر العمل در اذان اظهار شود و در تمامی ملک الجایتو این مسأله منتشر شد و در قزوین تشیع رونق و رواج گرفت. این سومین بار بود که تشیع عراق بر ایران تأثیر می گذاشت.

به طور کلی چهار دوره مؤثر بر تشیع ایران می توان نام برد که دو مورد اول پیش از این ذکر شد و مورد چهارم در مجالی دیگر خارج از این نوشته مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۱. تأثیر تشیع عراق بر شهر قم؛
۲. تأثیر مکتب شیخ مفید و شیخ طوسی رحمتهما بر تشیع ری و جبال ایران؛
۳. تشیع حله بر ایران؛
۴. تأثیر جبل عامل بر ایران عصر صفوی.

آنگونه که ابن بطوطه نگاشته است سلطان خدابنده مردم را بر آن داشت تا به مذهب تشیع درآیند و در این باره به مردم عراقین، فارس، آذربایجان، اصفهان، کرمان و خراسان نامه نوشت. مردم بغداد و شیراز و اصفهان به مخالفت برخاستند. در منابع دیگر نیز به مخالفت مردم اصفهان با این دستور سلطان اشاره شده است. قاضی نظام الدین معروف به مزهد سرسختانه در اصفهان در برابر تشیع مقاومت کرد.

شهر حله توسط سیف الدوله حمدانی تأسیس شد و با حمایتی که وی از علم و عالمان داشت به سرعت به صورت شهری فرهنگی در آمد. علائق شیعی این خاندان سبب جذب عالمان شیعی به این شهر شد و به تدریج به صورت مرکزی برای شیعیان درآمد. این شهر از مراکز عمده شیعه از قرن ششم تا نهم هجری است. این مرکزیت در دوره هایی بر نجف، سامرا و سایر مراکز شیعی تفوق یافت. عالمان منسوب به این شهر در این دوره فراوانند که از قبلاً به محقق حلی و

علامه حلی رحمته الله اشاره کردیم. خاندان برجسته آل طاووس و ابن ادریس حلی نیز از شاخص ترین عالمان حله هستند.

به مناسبت گرایش سلطان محمد خدابنده به تشیع، روابط علامه حلی با ایران برقرار شد. وی مدتی در ایران بسر برد و در دربار شاه به دفاع از تشیع کتاب‌ها نوشت. عماد الدین طبری نیز سهمی بزرگ در تشیع ایران به‌ویژه اصفهان در اواخر قرن هفتم دارد.

در اواخر قرن هشتم سلطان محمد خدابنده تشیع را پذیرفت و اقداماتی در بسط آن انجام داد. در این زمینه تبلیغات شیعی در سایر شهرها نیز آغاز شد. چنان که ضرب سکه شیعی معمول گشت. برخی از شهرها که تسنن قوی داشتند با این اقدام مخالفت کردند. شهر قزوین و اصفهان از جمله مخالفان بودند.

به نقل ابن بطوطه در قرن هشتم اصفهان محله شیعه نشین داشته^۱
ولی اکثریت با سنیان و شافعیان بوده است.^۲ یکی از نشانه‌های تشیع
اصفهان در روزگار الجایتو محراب زیبای مسجد جامع این شهر است
که نام دوازده امام در گچبری زیبای آن آمده است. در قرن نهم در
اصفهان خاندان‌های معروف به تشیع وجود داشته است^۳

به نقل مجلسی رحمته الله علیه، اصفهان که از مرکز مخالفان تشیع بوده، به
گونه‌ای شد که نه در شهر و یا روستاهای آن حتی یک نفر متهم به
تسنن پیدا نمی‌شده است.^۴ با آمدن صفویه اصفهان آمادگی کامل برای
پذیرش تشیع را داشته است. تا آنجا که حتی کمترین مقاومتی در این
شهر در برابر شاه اسماعیل صورت نگرفت. به دنبال فتح این منطقه به

^۱ رحلة ابن بطوطه/ ۱۹۹

^۲ نزهة القلوب/ ۴۹

^۳ ریاض العلماء/ ۴/ ۲۴۰

^۴ روضة المتقین/ ۹/ ۳۰

دست صفویان، تسنن در این نواحی به طور کلی از میان رفته و تشیع جایگزین آن شد.

حضور شاه اسماعیل در اصفهان نشان می‌دهد که وی در این ناحیه کمترین مشکلی را با تسنن نداشته است.

اگرچه شهر قم پس از قرن چهارم مرکزیت علمی خود را از دست داد، ولی مردم این شهر همواره بر تشیع استوار بوده‌و قم مرکزیت شیعی و زیارتی داشته است.

با تشیع الجایتو در نخستین دهه قرن هشتم، تحول مهمی در ایران از لحاظ مذهبی به مرکزیت سلطانی صورت گرفت؛ ولی قزوین به دلیل پایبندی به تسنن چندان تسلیم کارهای تبلیغی سلطان محمد خداپنده قرار نگرفت و در مقابل سلطان ایستاد. به نوشته نزهة القلوب

اکثریت قزوین شافعیان متعصب بوده و اندکی حنفی و شیعی نیز در آنجا وجود داشته است.^۱

ورامین نیز در قرن هفتم و هشتم دارای آثار و عالمانی شیعی است. پس از روزگار مغول که به تدریج شهر ری از میان رفت، ورامین به حیات خود ادامه داد. این ادامه حیات به صورت روستایی بزرگ و یا یک شهرک بود که مهاجران ری را به خود پذیرفت. وجود آثار شیعی در ادبیات فارسی، از دلایل حضوراندیشه های شیعه در میان ایرانیان است

هنگامیکه در زمان الجایتو قاضی نظام الدین مزهد در اصفهان سرسختانه در مقابل تشیع مقاومت می کرد، متکلمی شیعی به نام تاج الدین عبدالله به اصفهان آمده و کتاب مسبار العقیده را در حقانیت شیعه نگاشت که با نام مسمارالعقیده به فارسی برگردانده شد.

^۱ نزهة القلوب/ ۵۷

استرآباد از قرن هفتم-هشتم به این سوی مانند سایر شهرهای ایران محلی برای نشر اندیشه‌های عرفانی و صوفیانه بوده است. شاید یکی از مهمترین دلایل آن پیوستگی آن با خراسان بوده که یکی از مهمترین مراکز تصوف به حساب می‌آمده. به علاوه بسطام در نزدیکی استرآباد هم دست کم محل زندگی بایزید بسطامی است که از قرون نخستین هجری مزارش در آنجا برپا بوده و صوفیان به نامی برای الهام از مزار او به آنجا رفت و آمد داشته‌اند. زندگی رجب بررسی در حله نشان می‌دهد که در این شهراندیشه‌های غالیانه نیز وجود داشته است. مشعشعیان و نوربخشیه نیز از میان شاگردان ابن فهد حلی (م ۸۴۱) فقیه بنام شهر حله بوجود آمد.

به گزارش کتاب نزّهة القلوب از وضعیت مذهبی شهرها در قرن هشتم ری، طهران، دیلمان، قم، کاشان، تفرش، فراهان، نهاوند، بیهق و جرجان با اکثریت شیعه نشین هستند.

در زمان دولت سریداران مردم سیزوار اکثراً شیعه بوده‌اند و آنگونه که در مطلع سعدین آمده است "مردم سیزوار اکثراً شیعی مذهب باشند و مردم اصلی نیشابور اکثر سنی و بواسطه حاکم شیعی ایشان نیز اظهار تشیع می‌کردند^۱. سیزوار به عنوان پایتخت دولت سریداران تنها منطقه شیعی این دیار است که همان نیز سنیانی داشت اما غلبه با شیعیان بود.

^۱ مطلع سعدین/ ۴۲۷

تشیع در شامات

شام در دوره اموی مرکز ناصبی‌گری بوده و این وضعیت تا مدت‌ها ادامه داشت. شام و دمشق قرن چهارم و پنجم به رغم سوابق اموی خود به تدریج به سمت تشیع گرایش یافت و به همین دلیل طی قرن پنجم و بعد از آن شخصیت‌های شیعی این دیار فراوانند. به گفته ذهبی تشیع در شام، مصر و مغرب به دلیل وجود دولت فاطمی نسج گرفت. یکی از عوامل غلبه تشیع در این شهر، حضور نقیبان فراوان چون آل‌حمدان در شهر حلب است که غالباً تشیع خود را اظهار می‌کرده‌اند. در روزگار فاطمیان تشیع در شام فراگیر شد و به خصوص در نیمه دوم قرن چهارم و قرن پنجم شیعیان در این محیط غلبه داشتند. تشیع در این نواحی در دوره نوری‌ها و ایوبی‌ها کاهش یافته و بعدها در دوره ممالیک با فشارهای سختی روبرو شد. بعلبک و طرابلس که حتی شافعیان این شهر هم متهم به رفض و داشتن موضع انتقادی

نسبت به صحابه بودند؛ حمص و رقه، برخی از شهرهای شیعی این دوران در شامات هستند.

حلب نیز از قرن پنجم تا هشتم، مرکز تشیع در مناطق شامات است. تشیع حلب علی القائده باید به زمان ائمه علیهم السلام برگردد. اما شیوع تشیع در این شهر، بیش از هرچیز در پی حمایت حمدانیان شیعی است که از خاندانهای شیعه، علویان، ادیبان و مهاجران شیعه مذهب به شدت دفاع کردند.

در دولت حمدانی با همت علویان و عالمان شیعه که در عراق تربیت شده و به این شهر می آمدند، تشیع بر آن شهر غلبه کرد. این عالمان در پناه دولت حمدانی دست به نشر معارف اهل بیت زده و چنان شد که اکثریت مردم حلب شیعه شدند. پس از حمدانی ها تشیع باقی ماند و شواهد زیادی وجود دارد که اکثریت مردمان حلب تا زمان ایوبی ها در قرن ششم هجری همچنان بر مذهب تشیع امامی

بوده و پس از آن تا اواخر دوره ممالیک و حتی تا به امروز اقلیتی از شیعه در این شهر و برخی از روستاهای اطراف باقی مانده است. به نظر میرسد در دوره ایوبیان و سپس ممالیک و پس از آن در دوره عثمانی فشارهای فراوانی بر شیعیان وارد شده و این فشارها به تدریج به انحلال مذهب تشیع در شهر حلب منتهی شده است.

پس از سقوط مصر به دست صلاح الدین ایوبی، بسیاری از سادات و شیعیان راهی حلب شدند که در زمان مرکز تشیع بود. شهرت حلب به تشیع، چندان بود که شیعیان برجسته را از سایر نقاط به سوی خود جذب می‌کرد. جلال الدین مولوی رومی نیز شعری درباره اهل حلب و تشیع آنان دارد که نشان می‌دهد تا این زمان تشیع در آنجا فراگیر بوده است.^۱

^۱ مثنوی / دفتر ششم / ۷۷۷۷

تشیع در شهرهای عراق

به طور کلی باید توجه داشت که عراق مرکز اصلی تشیع در طول تاریخ بوده است. شهر کوفه، این مرکزیت را برای دو قرن حفظ کرد؛ پس از آن مرکزیت به بغداد، حله و نجف انتقال یافت. البته بغداد مرکز خلافت بود و از همه احزاب و گروه‌ها در آن حضور داشتند. شیعیان نیز بخش بزرگی از بغداد را که بیشتر محله کرخ بود به خود اختصاص داده بودند. شهرهای دیگر نیز مانند حله، واسط، موصل و مدائن نیز از مراکز شیعی بوده است.

تألیف کتاب الکافی در بغداد و حضور بزرگانی چون شیخ مفید، سیدمرتضی، سیدرضی و شیخ طوسی رحمته‌م‌الله و ده‌ها عالم شاخص دیگر، نشانگر اهمیت تشیع بغداد در قرن سوم و چهارم است.

در قرن ششم و هفتم تشیع بغداد بسیار گسترده بوده و از نقاطی مانند حله، موصل و اربل و... شیعیان زیادی به بغداد می‌آمدند. درباره شیعیان بغداد در قرن ششم و هفتم باید گفت که شاید به دلیل تقیه

برخی از آنان چندان اظهار تشیع نمی‌کرده و به خصوص حساسیتی در ابراز تبری نداشتند.

شهر حله در قرن پنجم از مراکز عمده تشیع است. این شهر را باید به شهر قم تشبیه کرد که به گفته ذهبی^۱ از ابتدا بر بنای تشیع در سال ۴۹۵ تأسیس شد. شهر حله از همان زمان مرکزی برای علوم شیعی بوده و عالمان آن عاملی در جهت رواج تشیع در بغداد و سایر شهرها بودند. حله به عنوان پایگاه تشیع تغذیه کننده تشیع بغداد در قرن ششم و هفتم و حتی پس از آن بوده است.

برخی از ساکنان واسط - که توسط حجاج در دوران امارت خویش بر عراق پایه گذاری شد - نیز به تشیع گرویدند. موصل و اربل نیز از شهرهایی است که طی قرن هفتم و بعد از آن شیعیان فراوانی داشته است. به تشیع مدائن نیز در آثار البلاد قزوینی^۲ و منابع دیگر

^۱ سیر اعلام النبلاء/ ۴۰۷/۱۹

^۲ آثار البلاد و اخبار العباد/ ۴۵۳

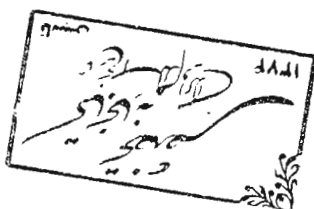
تصریح شده است. این شهر تا به امروز از مراکز شیعه نشین عراق بوده و همواره، مخصوصاً در قرن ششم و هفتم علمایی از آن برخاسته‌اند.

قرن نهم

بسیاری از مناطق ایران در قرن هشتم و نهم تحت تأثیر تفکر تسنن دوازده امامی بوده و اندیشه مزبور تا اوایل عصر صفوی قدرت داشته است. قرن هشتم و نهم قرن تشیع استرآباد بود که به تدریج مانند شهر ری، سنیان که اکثریت آن را داشتند، از میان رفته و تشیع بر شهر غلبه کرد. افندی^۱ از یک تغییر مذهب تشیع به تسنن در شهر کاشان - با سابقه طولانی تشیع و حتی بزرگداشت عید بابا شجاع‌الدین پیش از دولت صفوی - خبر می‌دهد که با تلاش شاه اسماعیل صفوی اصلاح شد. آخرین نکته آنکه عزاداری سید الشهداء علیه السلام و به‌ویژه روضه‌الشهدای کاشفی نیز در روند شیعی شدن

۱ فیروزیه/ج ۱

بیشتر مردمان تمامی ایران نقشی بسیار مهم ایفا کرده که
قابل چشم پوشی نیست.



استاد ارجمند، محققین گرامی و دانشجویان عزیز

می توانند از طریق پایگاه اینترنتی

www.seyedvakili.ir

با نگارنده در تماس بوده، نظرات و راهنمایی های خود را

ارسال فرمایند.

